قاتل پس از ۲۱ سال شناسایی نشد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود

■ غلامرضا مسکنی

اولیای دم زن جوانی که ۲۱ سال قبل به طرز مرموزی به قتل رسیده بود، پس از اینکه قاتل او از سوی مأموران پلیس شناسایی نشد درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کردند.

۲۰ فروردین‌ماه ۸۱ به مأموران پلیس تهران خبر رسید زن جوانی در خانه‌اش در یکی از خیابان‌های شرقی به طرز مرموزی به کام مرگ رفته است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس راهی محل حادثه شدند و داخل پذیرایی آپارتمان مسکونی با جسد زن ۳۶ ساله‌ای به نام نسترن روبه‌رو شدند که آثار خفگی روی گردنش نمایان بود.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مقتول زن تنهایی است که پس از جدایی از همسرش در این خانه زندگی می‌کرده تا اینکه ساعتی قبل برادرش مرگ مرموز او را به پلیس خبر می‌دهد.

برادر مقتول به مأموران گفت: «خواهرم متأهل بود و سه فرزند دارد، اما چند ماه قبل به خاطر اختلافی که با شوهرش داشت، طلاق گرفت. خواهرم تنها بود، چون سه فرزندش با پدرشان زندگی می‌کنند. من همیشه با خواهرم ارتباط تلفنی داشتم و هر چند روز یک‌بار هم به دیدنش می‌آمدم یا او را به خانه‌ام دعوت می‌کردم. شب قبل با خواهرم تماس گرفتم، اما جواب مرا نداد، احتمال دادم مشغول کاری باشد و با من تماس بگیرد، اما وقتی امروز هم با من تماس نگرفت، نگرانش شدم و دوباره با او تماس گرفتم. خواهرم این‌بار هم جواب تماسم را نداد، به همین دلیل نگرانی‌ام بیشتر شد و تصمیم گرفتم به خانه‌اش بروم. هر چقدر زنگ خانه‌اش را زدم کسی در را باز نکرد و در نهایت با کلید یدکی که داشتم در را باز کردم و با جسد خواهرم روبه‌رو شدم و حادثه را به پلیس خبر دادم.»

■ **فرضیه سرقت**

تیم جنایی در بررسی‌های صحنه قتل با به‌هم‌ریختگی وسایل خانه روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت پس از قتل زن جوان، اموالش سرقت شده است. از سوی دیگر در بررسی‌های میدانی و گفته‌های بستگان مقتول مشخص شد مقداری از طلاها، پول و اموال مقتول سرقت شده است. بدین ترتیب فرضیه قتل با انگیزه سرقت برای کارآگاهان جنایی قوت گرفت، اما مأموران هیچ سرنخی از سارق جنایتکار پیدا نکردند.

■ **بازداشت‌های بدون نتیجه**

مأموران تحقیقات خود را با فرضیه قتل با انگیزه سرقت ادامه دادند و چند مظنون را بازداشت کردند، اما در تحقیق از مظنونان مشخص شد هیچ کدام از افراد دستگیر شده نقشی در قتل زن جوان نداشته‌اند.

مأموران پلیس در شاخه دیگری از تحقیقات خود احتمال دادند شوهر سابق مقتول به‌خاطر اختلافاتی که با همسر سابقش داشته، دست به قتل زده و بعد هم با صحنه‌سازی سرقت تلاش کرده است مأموران را فریب دهد. بدین ترتیب مأموران، شوهر سابق مقتول را بازداشت کردند، اما وی قتل نسترن را انکار کرد و تحقیقات پلیس هم نشان داد او در قتل همسر سابقش دست نداشته است، بنابراین آخرین متهم هم آزاد شد.

■ **درخواست دیه**

پس از این، مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای یافتن ردی از قاتل ادامه دادند، اما هیچ نتیجه‌ای نگرفتند و پرونده زن جوان همچنان مفتوح مانده بود تا اینکه مدتی قبل پس از گذشت حدود ۲۱ سال از قتل زن جوان، مادر و سه فرزند او به دادگاه کیفری رفتند و درخواست دیه از بیت‌المال کردند.

درخواست اولیای دم پس از بررسی و تأیید از سوی مقام قضایی چند روز قبل برای اجرا به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. بدین ترتیب به زودی دیه زن جوان که شناسایی قاتل او همچنان در پرده‌ای از ابهام قرار دارد از بیت‌المال به مادر مقتول و سه فرزند او پرداخت و پرونده‌اش برای همیشه بسته می‌شود.

ربودن مردان تاجر برای اخاذی میلیاردی

■ آرمین بینا

فرار معجزه‌آسای دو تاجر از اسارتگاه پنج گروگانگیر سبب شد پلیس باند آدم‌ربایان خشن را که دست به اخاذی‌های میلیاردی می‌زدند، متلاشی کند.

چند شب قبل راننده عبوری در یکی از جاده‌های فرعی اطراف تهران متوجه مرد پابرهنه‌ای شد که در تاریکی شب با تکان دادن دست‌هایش درخواست کمک می‌کرد. راننده با دیدن این صحنه خودرویش را متوقف کرد و مرد زخمی که به سختی صحبت می‌کرد، سوار خودرو شد و به راننده گفت جانش در خطر است و او را به نزدیک‌ترین اداره پلیس برساند.

بدین ترتیب راننده وقتی فهمید مرد زخمی از دام آدم‌ربایان خشن گریخته است به سرعت او را به نزدیک‌ترین کلانتری رساند.

مرد جوان به مأموران پلیس گفت: «من تاجرم و اهل یکی از کشورهای اطراف هستم. چند روز قبل همراه یکی از دوستانم که او هم تاجر است به ایران آمدیم تا با تاجران ایرانی در کار صادرات و واردات همکاری کنیم. رابط ما زن ایرانی به نام شهره است. او همیشه ما را به فروشندگان ایرانی معرفی می‌کند. این‌بار هم قرار بود تعدادی کالا با قیمت مناسب بخریم و به کشورمان صادر کنیم که شهره به ما خبر داد با چند فروشنده قرار ملاقات گذاشته است. روز حادثه وقتی وارد تهران شدیم، شهره ما را سوار خودرویش کرد تا به ملاقات چند نفر از تولیدکنندگان ایرانی برویم. او ما را به باغی در حاشیه تهران برد و وقتی وارد باغ شدیم ناگهان چهار مرد مسلح به ما حمله کردند و بعد از کتک‌کاری دست و پایمان را بستند.»

■ **اخاذی ۹۰ هزار دلاری**

شاکی ادامه داد: «ما تازه متوجه شدیم که شهره ما را فریب داده و در دام آدم‌ربایان خشن گرفتار شده‌ایم. آدم‌ربایان پس از شکنجه از ما خواستند با خانواده‌هایمان تماس بگیریم و از آنها بخواهیم برای آزادی‌مان هر کدام ۹۰ هزار دلار به صورت ارز دیجیتالی به حساب آنها واریز کنند. ما هم از ترس تماس گرفتیم و خانواده دوستم ۹۰ هزار دلار را واریز کردند، اما خانواده من واریز نکردند. پس از این آنها ما را شکنجه دادند و از ما خواستند دوباره با خانواده‌هایمان تماس بگیریم، وگرنه جانمان را می‌گیرند.»

■ **فرار شبانه**

تاجر خارجی ادامه داد: «بیش از یک هفته گروگان بودیم و احساس می‌کردیم به زودی آنها ما را به قتل می‌رسانند تا اینکه فهمیدیم سه نفر از گروگانگیرها شب‌ها به خانه‌هایشان می‌روند و فقط یکی از آنها که نگهبان باغ است در باغ می‌ماند. من و دوستم تصمیم گرفتیم زمانی که او به خواب می‌رود از فرصت استفاده و فرار کنیم. ما به سختی دست و پایمان را باز کردیم و از غفلت نگهبان استفاده و فرار کردیم. حین فرار نگهبان و همدستانش که آنجا بودند متوجه شدند و به طرف دوستم شلیک کردند، اما مرا در تاریکی شب گم کردند و من توانستم جانم را نجات دهم.»

■ **نجات از یک قدمی مرگ**

با طرح این شکایت، تیمی از مأموران پلیس به دستور قاضی موسی رضازاده، بازپرس جنایی تهران برای یافتن ردی از گروگانگیران وارد عمل شدند، اما از آنجایی که شاکی خارجی بود و آشنایی به محل حادثه نداشت مأموران موفق به شناسایی مخفیگاه آدم‌ربایان نشدند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید چوپانی در بیابان‌های اطراف تهران پیکر نیمه‌جان مرد خارجی را که پایش با شلیک گلوله زخمی شده و در یک قدمی مرگ قرار داشته، پیدا و به بیمارستان منتقل کرده است.

بدین ترتیب مأموران راهی بیمارستان شدند و دریافتند مرد زخمی تاجر خارجی و همان همکار شاکی اولیه است که در دام گروگانگیران گرفتار شده بود. وی پس از بهبودی گفت: «شب حادثه وقتی فرار کردیم، آدم‌ربایان به سوی من شلیک کردند و پایم زخمی شد. آنها مرا دوباره اسیر کردند. چند روزی من را داخل باغ نگه داشتند و وقتی دیدند حالم روز به روز بدتر می‌شود پیکر نیمه‌جانم را در بیابانی رها کردند که روز بعد چوپانی متوجه ناله‌هایم شد و به کمکم آمد و از مرگ نجاتم داد.»

■ **بازداشت در اسارتگاه مخوف**

در حالی که شاکیان برای شناسایی مخفیگاه متهمان هیچ کمکی به مأموران پلیس نکرده بودند، مأموران تحقیقات خود را در اطراف همان محل‌هایی که دو تاجر خارجی رها شده بودند متمرکز کردند و در نهایت هم موفق شدند اسارتگاه مخوف گروگانگیران را شناسایی کنند و یکی از متهمان را بازداشت کردند.

نگهبان باغ پس از دستگیری همدستانش را به مأموران پلیس معرفی کرد و مأموران هم موفق شدند یکی دیگر از متهمان را بازداشت کنند. متهمان در بازجویی‌ها به آدم‌ربایی‌های سریالی و اخاذی از افراد و تاجران خارجی اعتراف کردند. تحقیقات برای دستگیری همدستان آدم‌ربایان ادامه دارد.

■ **گفت‌وگو با یکی از متهمان**

چه شد که باند آدم‌ربایی را تشکیل دادید؟

ما ابتدا از افغانی‌های غیرمجاز اخاذی می‌کردیم. به بهانه اینکه مأمور هستیم، آنها را بازداشت و به مخفیگاهمان منتقل می‌کردیم، سپس با تهدید از آنها اخاذی می‌کردیم، اما مدتی بعد تصمیم گرفتیم از تاجران اخاذی کنیم، چون پول بیشتری به دست می‌آوردیم.

چقدر از افراد غیرمجاز اخاذی می‌کردید؟

معمولاً از ۱۰ هزار دلار به بالا.

از تاجران چقدر اخاذی می‌کردید؟

آنها پولدار بودند و رقم بالاتر می‌رفت و معمولاً بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار دلار و بستگی به وضع مالی آنها داشت.

چطور با تاجران آشنا می‌شدید؟

سردسته باند شهره بود. او مدتی بود با تاجران کار می‌کرد و رابط آنها با تولیدکننده و تاجرهای ایرانی بود. شهره با یکی از اعضای باند به نام احسان دوست بود و وقتی احسان متوجه شد شهره با تاجران رابطه دارد با همدستی هم نقشه اخاذی از آنها را طراحی کردند.

شگرد شما چه بود؟

شهره با تاجران خارجی قرار می‌گذاشت تا آنها را برای خرید به تولیدکننده و تاجران ایرانی معرفی کند. تاجران خارجی هم به او اعتماد داشتند و شهره نیز آنها را به باغ می‌کشاند و ما هم تاجران را گروگان می‌گرفتیم.

از چند تاجر اخاذی کردید؟

اولین بار بود که شهره دو تاجر را به باغ می‌کشاند و ما هم موفق شدیم از یکی از آنها ۹۰ هزار دلار اخاذی کنیم، اما یکی از آنها فرار کرد و دست ما رو شد و بعد هم از ترس اینکه تاجر دوم فوت نکند او را رها کردیم. البته قبل از این از تعداد زیادی افغان غیرمجاز اخاذی کرده بودیم.

ادامه موج‌سواری معاندان با مرگ مغزی آرمیتا

مرگ مغزی آرمیتا گراوند، دختری نوجوان که به دلیل سانحه روی داده در متروی تهران دچار حادثه شده‌بود، تأیید شد. با تأیید مرگ مغزی این دختر نوجوان، تلاش‌های تازه‌ای از سوی شبکه‌های معاند برای موج‌سواری بیشتر از خبر به کار گرفته شده‌است.

آرمیتا گراوند، دانش‌آموز نوجوان صبح روز نهم مهرماه همراه دوستاش برای رفتن به مدرسه وارد متروی شهدا شد. همزمان با رسیدن قطار به ایستگاه آرمیتا همراه دوستانش به سمت نزدیک‌ترین واگن قطار که آخرین واگن است، حرکت می‌کنند. براساس تصاویر دوربین‌های مداربسته که از لحظه ورود آرمیتا به ساختمان مترو تا زمان سوار شدن او را نشان می‌دهد، هنوز ثانیه‌هایی از واردن شدن آرمیتا و دو دوستش به واگن نگذشته‌بود که ناگهان آرمیتا به زمین سقوط می‌کند و دوستانش او را از داخل واگن به سکو منتقل می‌کنند و منتظر رسیدن اورژانس می‌مانند. همزمان با رسیدن امدادگران اورژانس، اقدام‌های اولیه درمانی روی او صورت می‌گیرد و سپس وی به بیمارستان ارتش واقع در خیابان پیروزی منتقل می‌شود و تحت درمان قرار می‌گیرد. تلاش‌های تیم پزشکی برای نجات آرمیتا همان زمان به کار گرفته‌می‌شود. انتشار خبر این رویداد در شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های بسیاری را به دنبال دارد. این اتفاق براساس فیلم‌های کاملی که از ماجرا منتشر شده یک رویداد اجتماعی است که امکان بروز آن در هر جای دنیا وجود دارد، طبیعتاً واکنش اجتماعی به آن هم می‌تواند نگرانی از اتفاقی ناگوار را برای یک شهروند شامل شود و همدردی عمومی با خانواده او را همان‌گونه که اتفاق افتاد، به همراه داشته‌باشد، مگر اینکه عده‌ای بخواهند از این رویداد به سیاست‌های مورد نظرشان دست پیدا کنند. واکنش مغرضانه همین افراد به حادثه نگرانی خانواده آرمیتا را هم به دنبال داشت، به طوری که آنها در واکنش به انتشار این دسته از خبرها صراحتاً اعلام کردند که قبل از انتشار فیلم‌های مترو خودشان فیلم‌ها را رؤیت کرده و باور دارند فرزندشان به دلیل عارضه‌ای که برایش ایجاد شده دچار حادثه شده‌است. همراهان آرمیتا هم مشاهدات خود را از رویدادی که رقم خورده‌بود، مطرح کردند. از جمله «فاطمه» همکلاسی آرمیتا می‌گوید: «آن روز مثل همیشه در مترو با هم قرار داشتیم. اول من به ایستگاه مترو رسیدم و بعد آرمیتا و دوست دیگرمان مهلا رسیدند. همه چیز عادی بود. با هم آهنگ گوش دادیم و حرف زدیم و خندیدیم. اول مهلا وارد واگن شد. بعد آرمیتا و آخر هم من وارد قطار شدم. «آرمیتا» کمتر از یک ثانیه و به ناگاه با پشت به زمین افتاد و سرش با حاشیه سکو برخورد کرد. آرمیتا را که بلند کردم، دیدم دستم خونی شده‌است. فهمیدم سرش زخم برداشته‌است. با کمک مردم، آرمیتا را به خارج قطار و کنار سکو منتقل کردیم.

■ **روایت مهلا**

مهلا، دوست دیگر آرمیتا هم که آن روز همراهش بود، می‌گوید: «آن روز مثل همیشه برای رفتن به مدرسه با فاطمه و آرمیتا در مترو قرار گذاشتیم. وقتی که من وارد ایستگاه شدم، قطار رسیده‌بود. فاطمه و آرمیتا که زودتر رسیده‌بودند، منتظرم بودند که خیلی زود خودمان را به قطار رساندیم، اول من و بعد آرمیتا و سپس فاطمه وارد قطار شدیم که در کمتر از یک ثانیه «آرمیتا» با پشت سر به زمین سقوط و سرش به لبه سکو برخورد کرد. من پاها و فاطمه دست‌های آرمیتا را گرفت و او را روی سکو بردیم و منتظر اورژانس ماندیم. در همان لحظات زنی که انگار پرستار بود، به آرمیتا کمک کرد.

■ **از نگاه مدیر عامل مترو**

مسعود درستی، مدیر عامل مترو هم در واکنش به انتشار خبر گفت: همزمان با وقوع حادثه، همکارانم قبل از رسیدن اورژانس تمام تلاش خود را براساس آموزش‌ها و پروتکل‌هایی که دیده‌اند، انجام دادند. طبق تصاویر دوربین‌های ایستگاه مترو نیز، فاصله رفتن آرمیتا به واگن مترو تا خروج او به دلیل بدحالی تنها چند لحظه است که هرگونه شائبه درگیری را رد می‌کند. تصاویر موجود با توجه به حضور راهبر مترو که در ویدئوی منتشر شده در حال ورود به کابین خوداست و ناظر ورود آرمیتا به واگن و خروج از آن به دلیل بدحالی است، گواه صحت فیلم است.

■ **موج‌سواری معاندان**

وقوع اتفاق ناخواسته برای آرمیتا هر چند با نگرانی عمومی همراه بود، اما خوشحالی جریان‌های مدافع موج سواری رسانه‌ای را به همراه داشت. آرمیتا می‌توانست ویژگی‌های لازم را برای بهره‌برداری خبری آنها داشته باشد، از جمله دختر بودن و نوجوان بودن تا بشود از همین دو ویژگی با تجربیاتی که در جریان حادثه مهسا برایشان رقم خورده‌بود، اهدف شان را دنبال کنند. اینترنشنال، بی‌بی‌سی و من و تو تلاش خود را برای پوشش کامل خبرهایی که درباره ماجرا منتشر می‌شد، از ابتدا دنبال کردند و تلاش خود را به کار بردند تا به هر نحو که شده راهی برای انتساب حادثه به ساختار حاکمیت پیدا کنند. انتشار عکس‌های بدون پوشش او و تأکید بر کلیدواژه‌هایی که بشود احساسات عمومی را با خود همراه کرد، برای جریان‌ساز بودن ماجرا به شدت مورد توجه این رسانه‌ها قرار گرفت. کمای آرمیتا به زعم تلاش‌های تیم درمان هر چند نگرانی خانواده آرمیتا و همراهی عمومی با خانواده او را به همراه داشت، اما مجالی شد تا رسانه‌های معاند بتوانند با بهره گرفتن از آن، هزینه‌های بیشتری را برای کشور ایجاد کنند. رسانه‌هایی که خط سیر اخبارشان یکدست بر سیاهی، اندوه و رنج دنبال می‌شود و رنج مردم آنها را به شعف می‌آورد که این رنج می‌تواند مرگ مغزی یا فوت آرمیتا باشد که بشود از هر لحظه حادثه برای هجمه به حاکمیت استفاده کنند.

مفقودی

برگ سبز. برگ کمپانی و کارت خودرو پژو پارس XU7 مدل ۱۳۹۶ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۱۰ ۲۸۸ ب ۷۴) به شماره موتور ۱۲۴K۱۰۸۸۲۱۸ و شماره شاسی NAAN۰۱CE۶HH۸۳۸۷۶۷ متعلق به فاطمه قنبری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی و کارت خودرو باری خاور ۶۰۸ مدل ۱۳۵۸ به رنگ آبی روغنی شماره پلاک (ایران ۷۸ ۷۷۹ ع ۵۸) به شماره موتور ۱۰۰۴۶۸۸۶ و شماره شاسی ۱۴۴۳۰۶۴۶ متعلق به محمد حسین جعفری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. الف ل

مفقودی

سندمالکیت (برگ سبز) وسیله نقلیه وانت پیکان مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۱۱۴۹۰۱۰۷۱۷۸ و شماره شاسی IRFC۹۰۱X۰VA۲۷۳۷۳۲ با شماره انتظامی ۷۶۲ق۲۱ ایران ۳۸ بنام مهران مایلی قلجچلوئی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. اسلامشهر

مفقودی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب آرش آقازاده فرزند ابراهیم خلیل به شماره شناسنامه ۵۵۵ صادره از خوی در مقطع دکتری حرفه ای رشته دامپزشکی صادره از واحد دانشگاهی آزاد ارومیه به شماره ۰۰۳۴۱۲۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه به نشانی کیلومتر ۳ جاده سلماس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه صندوق پستی ۹۶۹ تلفن ۳۳۱۸۰۳۰۰۰-۰۴۴ ارسال نماید. ارومیه

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۶۵۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی مستقردرواحد ثبتی تصرفات مالکانه وبلامعارض کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۳۴۳ تقاضای آقای ابوالفضل روان به شماره شناسنامه ۱۷۴ وکدملی ۲۱۲۲۹۲۰۷۷۷ صادره از گرگان فرزند قربان درچهار دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه باغ که مابقی آن وقف است به مساحت ۳۷۸۷۸,۵۳ مترمربع ازپلاک شماره ۲۶۴ اصلی واقع دراراضی انجیراب بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت ازمالک رسمی صفرروان به متقاضی دارد ،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶
شناسه آگهی: ۱۵۸۹۶۱۹
مهدی شاه مهری
سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۶۵۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی مستقردرواحد ثبتی تصرفات مالکانه وبلامعارض کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۳۴۵ تقاضای آقای ابوالفضل روان به شماره شناسنامه ۱۷۴ وکدملی ۲۱۲۲۹۲۰۷۷۷ صادره از گرگان فرزند قربان درچهار دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه باغ که مابقی آن وقف است به مساحت ۱۱۶۵۴,۱۹ مترمربع ازپلاک شماره ۲۶۴ اصلی واقع دراراضی انجیراب بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت ازمالک رسمی صفرروان به متقاضی دارد ،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶
شناسه آگهی: ۱۵۸۹۶۲۴
مهدی شاه مهری
سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض خانم الهه سادات حسینی به شماره شناسنامه ۷۵۱ به شماره ملی ۲۱۲۱۰۷۱۳۶۹ صادره از گرگان فرزند سید عبداله متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۳۶۵ درششدانگ عرصه واعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۷۵,۳۵ مترمربع ازپلاک شماره ۷۷ اصلی واقع دراراضی محمدآباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد ،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود ازاین رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارایه نماید.
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱
شناسه آگهی: ۱۵۷۸۷۱۲
حجت اله نجری
رییس اداره ثبت اسناد واملاک منطقه دو گرگان

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۱۱۴۹ مورخه ۱۴۰۲/۰۵/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی برازجان صرفات مالکانه و بلامعارض متعلق به خانم خیری حقیقت فرزند اله کرم به شماره شناسنامه ۷۱۳ و شماره ملی ۳۵۲۰۴۴۰۰۳۲ صادره از دشتستان در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۳۲۸۴.۶۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۵۰۱ اصلی واقع در بخش سه بوشهر حوزه ثبت ملک برازجان اراضی روستای عیسوند خریداری شده از آقای اله کرم حقیقت به ایشان واگذار گردیده است.،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قانونی (دادگاه) نیست.
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶
حمیدرضا باقرپور
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان دشتستان